

## دارالشفای آستان قدس به روایت اسناد

موسوم به دارالشفای بودند<sup>۱</sup>، به خصوص در دوره‌ی شاه تهماسب اول محلی بنام دارالشفای وجود داشته است که به ملاوای بیماران می‌پرداخته‌اند<sup>۲</sup>. در تمام این دارالشفاهای تدریس طب هم می‌شد و بخش‌هایی برای زنان بنا کرده بودند<sup>۳</sup>. علاوه بر دارالشفای، داروخانه‌های مرتبی وجود داشته و اطبایی خارج از دارالشفاهای به طبابت اشتغال داشتند<sup>۴</sup> و به موجب وقف‌نامه‌ای که در سال ۹۳۱ هجری قمری/۹۰۳ هجری شمسی نوشته شده است، **عتیق علی بن احمد بن ملک اسمعیل طوسی الاصل اردوبادی المنشاء**، املاکی را وقف بر آستانه نموده (که در این عصر به موقوفات عتیقی موسوم است<sup>۵</sup>) و شرط کرده از درآمد آن سهمی به مصرف مرضای فقیر برسد.

در منابع و مأخذ تاریخی و تذکره‌های دوره‌ی صفویه آمده است که اطباء در عصر صفویه، هم‌چون دیگر ادوار گذشته، از منزلت والایی برخوردار بودند، آنان اغلب مشاوران شاه و گاه به مقام بالایی وزارت نیز می‌رسیدند. در زمان صفویه حکیم‌باشی<sup>۶</sup> مقام مهمی در دربار بود.<sup>۷</sup>

«عالم‌آرای عباسی» تألیف **اسکندربیک ترکمان**، از طبیب و حکیمی که در آستانه‌ی مبارک که بیماران را معالجه می‌کرده است نام‌برده است، او در مورد طبیب نامبرده و ارادت خاندان صفویه به آستان قدس رضوی می‌نویسد: حکیم **عمادالدین محمود** که در علم و حکمت و دانشوری و حذاقت مشهور آفاق بوده، رسالات مرغوب و نسخه‌های غریب از او در علم طب و ترتیب معالجه‌ین و معالجه امراض مزمنه و مواد حاره خصوصاً جرب صغیر و کبیر<sup>۸</sup> که بین الجمهر به آشک مشهور است معتمد علیه اطباء است تا آن جا که گویند: چون شاه جنت‌مکان در رواج و رونق آستانه‌ی مقدسه حضرت امام الجن و الانس به اقصی‌الغایه توجه مرعی داشته، از هر طبقه آن چه بهتر بود، به خدمات آن سرکار تعین می‌فرمودند، او نیز به طبابت سرکار فیض آثار مأمور گشته، مدت‌ها در مشهد مقدس معالی به معالجه مرضی مشغولی داشت، و الحق جامع صفات و کمال و زنده اصحاب گزیده و ارباب افضال بود<sup>۹</sup>.

قراین و شواهد بیانگر آن است که از دیرباز توجه به بهداشت عمومی و رعایت حال بیماران فقیر و زوار در جوار ملکوتی حضرت امام رضا (ع) جایگاهی داشته که گاهی با عنوان شفاخانه و زمانی دارالشفای نامیده شده است و بنیان آن اشخاص نیکوکار و پاک‌سیرتی بودند که به سبب نیل به این معنی، درصدد بودند هم‌چنان که مردم در سیرت از ساحت قدس رضوی به درک فیوضات روحانی نائل می‌شوند، در صورت هم متوسلین به تربت شریف حضرتش - که شفابخش آلام جسمی و روحی بیچارگان است - از آن بهره‌مند گردند و با این نیت، مؤمنین خیر از کیسه‌ی فتوت خویش در راه بذل اهتمام و ابزار خدمت کرده، در حد وسع خود مایملک و امکاناتی را برای رفاه احوال مرضی و درماندگان زوار فراهم آورند<sup>۱۰</sup>. دکتر ج. ک. ویشارد - طبیب آمریکایی - که در سال ۱۸۹۱ م / ۱۲۷۰ ش جهت ارائه‌ی خدمات طبی رهسپار ایران شده بود، ضمن فعالیت حرفه‌ای و سیاحت و گشت‌وگذار در نواحی کردستان، درباره‌ی وضعیت بهداشت در شهرهای مقدس مشهد، قم و... و بیماری‌های زوار می‌نویسد: در مشهد، مقدس‌ترین شهر مذهبی ایران، زندگی مردم متکی به زائران و مسافران است... بیماران زیادی را زائران بی‌شماری که به قم، مشهد و کربلا می‌روند تشکیل می‌دهند. این سفرهای طولانی، کسل‌کننده و خستگی آور حتی برای آدم‌های مقام و خوش‌بنیه هم گرفتاری‌هایی به وجود می‌آورد. در فصل تابستان بسیاری بیمار می‌شوند و سروکارشان به مریض‌خانه می‌افتد. پس از بهبودی به سفرشان ادامه می‌دهند و عده‌ای دیگر جای آن‌ها را پر می‌کنند. در مراجعت به ده، شهر یا خانه‌شان آن چه در مریض‌خانه در مورد آنان انجام گرفته برای دیگران تعریف می‌کنند... و مریض‌های زیادی از فاصله‌های دور به ما پناه می‌آورند<sup>۱۱</sup>.

### تاریخچه‌ی دارالشفای

در عهد سلاطین صفویه تقریباً اکثر شهرهای ایران دارای مریض‌خانه‌هایی



#### مخارج دارالشفای بر اساس طومار علی شاه

در طومار علی شاه که در رمضان سال ۱۱۶۰ ق. نگاشته شده و شامل مجموعه‌ی رقبات وقفی آستان قدس است، مقصود از دایر کردن دارالشفای، مصارف نقدی و جنسی، موجب اطباء، بیماردار، ناظر، اغذیه، ادویه و سایر اخراجات<sup>۱۶</sup> باشد، به تفکیک و به شرح ذیل قید نموده است:

«بر ذمه‌ی همگی لازم است که مراعات جانب زوار و صادر و واردین آن آستان را به عمل آورده نوعی نمایند که غبار ملالی دامن گیر هیچ یک از آنان نشود تا آن که پادشاه لم یزال خاتمه‌ی احوال هریک را به خیریت و خوبی منتهی و از دست برد شحنه‌ی سیاست و غضب خسروانی نگهداری می‌نموده باشد و چون از جمله‌ی انتظام مهم آن سرکار یکی رونق دارالشفای مقدس است که همه‌ساله باید ادویه ضروریه از مداخل سرکار خریداری و غذای مرضا نیز از بابت مداخل آن سرکار مهیا و به مصارف بیماران و غربائی که خانه و مسکن نداشته باشند یا از بالقوه‌ی سرانجام غذا و دوا عاری باشند، می‌رسید و در سنوات سابقه از قرار محاسبات سرکار فیض آثار که مستوفیان عظام کرام به نظر همایون ما رسانیده تا مساوی نود و چهار تومان<sup>۱۷</sup> به جهت اخراجات دارالشفای و موجب طبیب و جراح و غیره مأمورین آن جا، و چون خاطر خطیر بندگان اقدس اعلی متعلق به مراعات عجزه و مساکین بوده، مقرر فرمودیم که مبلغ مزبور را ضمیمه‌ی باقی مداخل موقوفات سرکار فیض آثار و به مصارف سرکار مذکور رسانند و از اخراجات دارالشفای مبارک را مقرر فرمودیم که بدین موجب مشخص و هر ساله از بابت یکصد زوج املاک خالصه<sup>۱۸</sup> قدیم که در این وقت وقف سرکار فیض آثار فرموده‌ایم، عالی‌جاه متولی و ناظر و باقی عمال سرکار فیض آثار موافق دستور و معمول آن سرکار به مصارف مزبور رسانیده نسخه بر کمیت و

همچنین در بند سیم دستورالملوک میرزا رفیعا نیز در بیان وظایف متولی روضه‌ی رضویه آورده است: نظم و نسق سرکار فیض آثار از کتابخانه و شربت‌خانه و دارالشفای و مطبخ و عطارخانه و فراش‌خانه و حویج‌خانه و شمعی‌خانه و خبازخانه و ایام‌خانه و قصاب‌خانه و هیمه‌خانه و راتبه و شیلان و روشنایی و رخوت و خلاع که بر جماعت مقرر تقسیم شود و تجویز سرکشیگان و خادم‌باشیان و خدمه و حفاظ کلام‌الله و اطباء و منجم و خزانه‌دار و صاحب‌نسق و فراشان و بخورسوزان و مؤذنان و دربانان و ایام‌چیان علم‌داران و باغبانان و عملی نقاره‌خانه و بیلدارباشی و همگی عمله کارخانجات و بیوتات عزل و نصب و بازخواست و تنبیه هر یک از این‌ها و تکثیر و توفیر زراعت و عمارت باغات و حواله و اطلاق و تنخواه دادن از کارخانجات مزبوره و واجب و مقرری ناظر و مستوفی و سرکشیگان و خادم‌باشیان و همگی منشیان آن آستان ملانک‌پاسیان با عالی‌جاه متولی آستانه مقدسه است<sup>۱۹</sup>.

همچنین در فصل چهاردهم از باب دوم دستورالملوک رفیعا، ضمن بیان وظایف حکیم‌باشی و حدود اختیارات وی، درباره‌ی سایر اطباء در دوره‌ی صفویه می‌نویسد: «اطباء زمان شاه سلطان حسین، سوای میرزارحیم باشی سابق که سیصد و چهل و یک تومان موجب و همه‌ساله داشته، موازی شصت و هشت نفر ملازم دیوان، و یک هزار و هفتصد و نود و نه تومان و شش هزار و سیصد و شصت و شش دینار در وجه اطباء مزبوره از همه‌ساله و تنخواه براتی مقرر بود<sup>۱۴</sup>».

#### دارالشفای در عصر افشار

در دوره‌ی افشار نیز عادل شاه - برادرزاده‌ی نادرشاه افشار - دارالشفای مبارکه‌ی حضرت رضا علیه‌السلام را تعمیر و تکمیل نمود و مقداری از املاک خود را وقف آن کرد<sup>۱۵</sup>.

کیفیت آن درست داشته، به دفترخانه‌ی همایون رسانند.»

**میرزا موسی خان<sup>۲۱</sup>** - برادر **میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی** - مفوض گردید، مشارالیه مساعی جمیله در این کار خطیر نمود، امر موقوفات را نظمی به‌سزا داده و در آبادی و مرمت و احیاء صدقات جاریه<sup>۲۲</sup> کوشش زیادی کرد، که از آن جمله می‌توان: از خیرات دارالشفای مشهد و مطبخ سرکار فیض‌آثار که جمعی از غربا و واردین از آن بهره‌مند می‌گردند نامبرد.<sup>۲۳</sup> و مشرف در تشکیلات آستان قدس که به معنی ناظر بوده بر موقوفات نظارت می‌کرد، و معمولاً از قدیم‌الایام تمامی اماکن و بیوتات مختلف آستان قدس مثل کارخانه‌های خدامی و زواری، دارالشفاء، شربت‌خانه دارای یک ناظر جزء بوده است که تحت نظر ناظر کل آستان قدس بودند و با تشخیص وی به این سمت منصوب می‌شدند.<sup>۲۴</sup>

#### خدمات **میرزا سیدجعفر مشیرالدوله (مهندس باشی)**

**میرزا جعفر خان مشیرالدوله** (مهندس باشی) در سال ۱۲۷۸ قمری به تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد، فرمان نیابت تولیتی وی به نظر نرسید، لیکن عبارت آخری فرمان وی به دستور درباری در روزنامه‌ی دولت علیه ایران، شماره ۵۱۹ در مورخه ۱۲۷۸ ق. در عنوان وقایع دارالخلافه الباهره و درباره معدلت‌مدار همایون ذکر شده، و بدین شکل نقل گردیده است: از آن‌جاکه حضرت بی‌چون وجود فایض‌الجود همایون را به‌واسطه‌ی تولی و فرمان‌برداری ائمه اثنی‌عشر و آل طهارت حضرت سیدالبشر علیهم صلوات اله الملك الاکبر حاوی سلطنت صوری و معنوی فرموده و مخصوصاً پیکر مبارک خلافت را به خلعت مهرطلعت خدمتگزاری و تولیت سرکار فیض‌آثار حضرت سلطان ولایت و ارتضا ثامن ائمه هدی علی بن موسی الرضا علیه ازکی التحیه و الثناء شرف امتیاز و مفاخرت بخشیده است، بر ذمه‌ی ملوکانه واجب فرموده‌اند که پیوسته وظیفه بندگی و عبودیت را کاملاً رعایت نموده، و جهاً من الوجوه از دقایق حسن مراقبت و تولیت امور آن حضرت را مهمل نگذارند و مسئولیت مسامحات متولیان و خدام جزو را در هر حال راجع به خود دانسته، همیشه برحسب اقتضاء مصلحت حالت اولویت رفتار نمایند، علیهذا به ملاحظه آن که مشیرالدوله میرزا جعفر خان - رئیس دارالشورای کبری - ایام عمر خود را از عهده‌ی ولیعهد مبرور<sup>۲۵</sup> تا این عهد خجسته به قیامت خدمات دولت مصروف داشته، در امور عهده‌ی معظمه و مهمام مهمه مشکله‌ی زرانت رای و اصابت تدابیر او بر رأی جهان‌آرای همایون کراراً مشهود و مکشوف گردید و محل وثوق وافر و اعتماد خاطر همایون می‌باشد، و غیبت او از رکاب مبارک جز بر انجام امر خطیر تجویز نمی‌شود. معزی‌الیه را محض لحاظ تنظیم امور سرکار فیض‌آثار که از منظورات عهده‌ی ملوکانه است و رعایت تعمیر و ترمیم خانه‌ی آخرت معزی‌الیه که به سن کهولت و حصل درجات عالیات آخرت است، با ابقای ریاست دارالشورای همایون به شغل نبیل تولیت امور سرکار فیض‌آثار و اعطای لقب «متولی باشی‌گری» آن حضرت قرین افتخار و اعزاز فرمودند که به‌اقتضای کفایت و کاردانی و ملاحظه‌ی صرفه و صلاح حضرت و تطبیق شرایط اوقاف و توفیق احکام شریعت واجب‌الاطاعه لوازم شغل مزبور را چنان که منظور نظر مهراثر ملوکانه است تقدیم نموده و در ضبط و صرف وجوهات بر و تنظیم امور خدمه روضه‌ی مطهره و تربید رونق آن‌جا و تمشیت

موجب طبیب و غیره	
نقد	جنس
۴۰ تومان	۶۹ خروار
۵ قران	۵۰ من
طیبیان	
نقد	جنس
۳۲ تومان	۴۷ خروار
۵ قران	۵۰ من
طیب به اسم میرزا محمدعلی	
نقد ۲۰ تومان	جنس ۲۰ خروار
۱۲ تومان	۵ قران
۵ قران	۵ قران
ناظران	
نقد	جنس
۱۲ تومان	۵ قران
آقارضا	
نقد ۷ تومان و ۵ قران	جنس ۱۵ خروار
بیماردار و غیره	
نقد	جنس
۸ تومان	۲۲ خروار
۵۰ من	۵۰ من
بیماردار	
نقد ۲۰ خروار	جنس ۸ تومان
۳ نفر	۳ نفر
۱۶ خروار	۱۶ خروار
۳ نفر	۳ نفر
۸ خروار	۸ خروار
۴ خروار	۴ خروار

#### اخراجات:

بیماران اغذیه و ادویه و معالجین و غیره اخراجات مرضا که به تجویز و تصدیق طبیب دارالشفاء سرانجام ساخته، هرروزه از قرار نسخه به خط و مهر طبیب و اطلاع او به مصرف بیماران رسیده، مشرف سررشته‌ی آن را در آخر هر ماه به اطلاع عالی‌جاه متولی و عالی‌شان ناظر مستوفی سرکار موافق سررشته مشرف که به مهر عالی‌جاه متولی و ناظر رسانیده، مفروغ و مفاصاً به مهر وزیر و مستوفی بازیافت نمایند. ۲۰۰ تومان<sup>۲۰</sup>.

#### دارالشفاء در دوره‌ی قاجاریه

در اواخر دوره‌ی سلطنت فتح‌علی شاه، تولیت آستانه‌ی مقدسه به حاجی



فرمودند و از آن جا داخل صحن متبرکه گشته، اول به زیارت آستان امامت تشریف جست...<sup>۳۱</sup>  
 او در صفحات بعد متذکر می‌شود که در این زمان [کارکنان] دارالشفای مبارکه بیست و چهار نفر بودند که شیخ ابوالحسن میرزا<sup>۳۲</sup> فرزند محمدتقی میرزا حسام السلطنه ناظر دارالشفای و سایر اطبا و خدام و غیره بیست و سه نفر بودند.<sup>۳۳</sup>

هم‌چنین سیف‌الدوله<sup>۳۴</sup> سلطان محمدبن فتحعلی شاه قاجار نیز یک دهه پس از میرزا جعفر مشیرالدوله (مهندس باشی) یعنی در ۲۴ شهر ذیحجه الحرام سنه ۱۲۸۸ق. به تولیت آستان قدس منصوب عازم مشهد شد، در خاطراتش از رونق دارالشفای یاد کرده، می‌گوید: «مرحوم میرزا جعفر خان در عهد تولیت خودش در خیابان بالا، دارالشفای خوبی ساخته است.»<sup>۳۵</sup>

حاج سیاح نیز در شرح سفر خود به مشهد در ربیع الثانی ۱۲۹۵ قمری ضمن انتقاد از مصارف موقوفات اوضاع بهداشتی مشهد درباره‌ی دارالشفای می‌نویسد:

اگر آن چه از املاک مقرر شده که منافع آن‌ها سالیانه به مدارس مجانی و مریض‌خانه و مهمان‌خانه و سایر آن چه واقفین شرط کرده‌اند، خرج شود، یک سمت ایران از ویرانی خارج می‌گردد. اگر آن مقدار منافع که متعلق به آن حضرت است موافق مقصود صاحبان مال و رضای خداوند متعال بر تربیت ایتمام و اولاد فقرا و تعلیم ایشان و دستگیری فقرا و معالجه‌ی مریضان صرف شود، خراسان گلستان می‌شود، لکن افسوس! افسوس! صد هزار افسوس! اولاً- اگر مثلاً منافع املاک پانصد هزار تومان باید عاید کند، صد هزار هم نمی‌دهند. حالت بیان سبب را ندارم. ثانیاً- از این قدر منافع و ثروت لااقل هزار یک بلکه صد هزار، یک به ممر خیر و حق و احسان و مقصود واقفان خرج نمی‌شود. یعنی یک تومان هم به مصرف صحیح نمی‌رسد. ثالثاً- کاش اصلاً نبود و خرج نمی‌شد. بدبختانه هر مبلغی از آن، به یک ممر فسق و فجور و فساد و شرارت صرف می‌شود، و از آن وجوه اشرار گردن کلفت و تبتلان می‌خورند و می‌گویند: این قدر وجه کفایت نکرده، حضرت قرض هم داد و باید دانست که شاه و نه وزیر و نه متولی و نه کسی می‌تواند جلوگیری از این فساد فاحش حیف و میل کند.<sup>۳۶</sup>

و در صفحات بعدی حاج سیاح در این باره یادآور شده است: «هرچه به دخل خدام و جلال ظاهری و دخل دارد محفوظ، هرچه فایده و معنویت دارد اصلاً وجود ندارد. مثلاً مدرسه‌ی معمولی نیست، مریض‌خانه خراب و ابداً معالجه در کار نیست.»<sup>۳۷</sup>

ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۰ ق. برای بار دوم عازم خراسان شد، سفرنامه‌ی او چاپ شده و در دسترس است، وی در روز یکشنبه پانزدهم شوال سه ساعت به غروب مانده از دارالشفای بازدید کرده، و در این مورد می‌نویسد: «دارالشفای حضرت سپرده به شیخ‌الرئیس ابوالحسن میرزا بود، و ایشان از جانب خود محمدهاشم میرزا معین‌التولیه برادر خود سپرده است. مشارالیه هر دو حاضر بودند. اجزاء و عملی دارالشفای و اشخاصی که در آن جا حاضر بودند همه معرفی می‌شدند. دارالشفای صحن کوچک با دو اتاق دارد که مریض‌ها را در آن جا خوابانده‌اند. چند نفری مریض بودند قدری توی حیاط گردش کردیم، اطبای حافظ الصحه و اطبای ملتزم رکاب ما هم از قبیل: حکیم‌باشی طولوزان و

سایر فقرات متعلقه به این شغل کمال دقت و مراقبت به عمل آورد، و یک ثوب جبهی ترمه‌ی حاشیه‌دار از ملبوس بدن مبارک به تشریف معزی‌الیه مرحمت گردید.<sup>۳۸</sup> یکی از اقدامات مهم مشیرالدوله در دوره‌ی تولیتش بناء دارالشفای بود، از این رو، ابتدا به اختصار نظری به خدمات، و سپس به بنای دارالشفای خواهیم پرداخت.

### بناء دارالشفای آستان قدس رضوی توسط میرزا جعفر خان مشیرالدوله (مهندس باشی)

یکی از خدمات میرزا جعفر خان مشیرالدوله در آستان قدس: ساختن درب نقره برای رواق دارالسعاده<sup>۳۹</sup> و بناء بیمارستانی نو برای آستان قدس (درمانگاه رازی فعلی) در خیابان علیا (بیمارستان اسبق واقع در بازار روبه‌روی درب مسجد جامع گوهرشاد بود، و جایگاه آن امروز معروف به سرای ناصری است)، عمرش وفا به اتمام نکرد. از عباراتی که بر سنگ سردر این بنا نوشته شده، معلوم می‌شود، بنای مزبور در حیات خود مشیرالدوله در جمادی‌الثانی ۱۲۷۹ قمری دار فانی را وداع گفته به پایان نرسید. حسب الوصیه، فرزند او محمدصادق خان از مال شخصی آن مرحوم این بنا را به اتمام رسانید.<sup>۴۰</sup>

و مؤلف مطلع‌الشمس نیز در مورد خدمات مشیرالدوله در بنا دارالشفای می‌نویسد: «عضدالملک... عازم طهران شد و مرحوم میرزا جعفر خان مشیرالدوله به جای او مأمور گردید و این در ماه ذیحجه سال هزار و دو بیست و هفتاد و هفت بود. مرحوم مشیرالدوله در نظم امور خاصه در ضیافت زوار و علما و شام خدام مساعی جمیله نمود، و دارالشفای سابق را که در جنب مسجد جامع متروک داشت، و در خیابان علیا متصل به باغ وقفی سرکار فیض‌آقار، مریض‌خانه بنا نمود که جای مردان مریض از زنان جدا و همچنین حجرات صاحبان امراض مسریه مفروز بود، و چون این بنا در حیات مشیرالدوله تمام نشد، به موجب وصیت او، فرزند او از مال خاصه‌ی آن مرحوم آن بنا را به انجام رسانید.»<sup>۴۱</sup>

### دارالشفای از منظر سفرنامه و روزنامه‌های دوره ناصری

روزنامه‌ی اردوی همایون که در زمان سفر اول ناصرالدین شاه به خراسان به سال ۱۲۸۴ق. چاپ و منتشر می‌شد، ضمن برشمردن اجزاء تشکیلات آستان قدس رضوی از جمله: سقاخانه، شربت‌خانه، مطبخ، مسجد گوهرشاد، کفش‌کن، ایوان‌ها، صحن‌ها و درها و سایر ابنیه از دارالشفای آستان قدس رضوی نیز گذرا یاد کرده و نوشته است: «دارالشفای در خیابان علیا و مهمان‌خانه‌ی زوار در خیابان علیا، مهمان‌خانه‌ی اعیان در خیابان سفلی» [واقع است].<sup>۴۲</sup>

علیقلی حکیم‌الممالک نیز که در این سفر همراه ناصرالدین شاه بود، خاطرات این سفر را به رشته‌ی تحریر درآورده، خوشبختانه این مجموعه در سال‌های بعد با عنوان «روزنامه‌ی سفر خراسان» به طبع رسید. او در ضمن بیان وقایع روزنامه، در ذیل وقایع غره ربیع‌الاول ۱۲۸۴ قمری به بازدید شاه از دارالشفای پرداخته و می‌نویسد: ... در بازدید از حرم مطهر ابتدا به دارالشفای جدید حضرت که از بناهای مرحوم مشیرالدوله است تشریف برده، وضع باغچه‌ها و حجرات مرءاء و البسه و بستر و تخت و اغذیه و ادویه جات مریض‌خانه مقبول طبع ملوکانه گشته، و مبلغی به خدام و مستحقین دارالشفای به رسم انعام احسان

ملک‌الاطباء و شیخ‌الاطباء و میرزا زین‌العابدین خان و غیره حضور داشتند، بعد از تماشا از دارالشفای بیرون آمده پیاده به حرم رفتیم.<sup>۳۸</sup>

در طی این سفر روزنامه‌ای تحت عنوان «روزنامه‌ی اردوی همایون» چاپ و منتشر می‌شد که وقایع و اخبار روزانه در آن درج می‌گردید، ذیل اخبار روز یکشنبه پانزدهم ۱۳۰۰ قمری، نمره‌ی هشتم، سال ۱۳۰۰ قمری به بازدید ناصرالدین شاه و همراهان او از دارالشفای پرداخته و می‌نویسد: «در این روز حشمت‌الملک امیر قاین و سیستان با عمادالملک وکیل طبس و دو پسرهایش که برای شرفیابی آستان همایونی از قاین و طبس آمده بودند، به حضور مهر ظهور همایونی مشرف گردیده، هر یک مورد تفقذات ملوکانه گردیدند، و همچنین حسینعلی‌خان قرانی سرتیپ فوج همایونی معرفی شد. از این‌جا سرکار فیض‌آثار تشرف فرما گشته، تمام اطبای رکابی و اطبای مریض‌خانه و مشاهد حاضر بوده، آن‌جا را با کمال نظم و انتظام ملاحظه و مشاهده فرمودند. ریاست مریض‌خانه به عهده‌ی شاهزاده شیخ‌الرئیس و محمدهاشم میرزای معین‌التولیه برادر شیخ‌الرئیس محول است، هر دو حاضر و مورد مراجع ملوکانه گردیده، از آن‌جا به زیارت آستانه مطهره مشرف گشتند.<sup>۳۹</sup>

در تأیید اخبار مذکور قهرمان میرزا امین لشکر نیز که در این سفر از همراهان شاه بود و شرح سفر خود را نگاشته آورده است:

«اعلی حضرت همایونی امروز از منزل نواب والا رکن‌الدوله به دارالشفای مریض‌خانه که سپرده به معین‌التولیه - پسر مرحوم محمدتقی میرزای حسام‌السلطنه - است، تشریف بردند.<sup>۴۰</sup>»

کنل سی.ئی. بیست که در سال ۱۸۹۳ میلادی به عنوان نماینده‌ی ملکه‌ی انگلیس جهت رفع اختلاف با دولت روسیه بر سر مسأله‌ی رود کشک در شمال هرات به ایران آمد و تا دهم فوریه ۱۹۸۷ سرکنسول مشهد بود، نیز مطالبی به ایجاز درباره‌ی دارالشفای تقریر کرده است:

درمانگاه یا دارالصحة آستانه که انتظار می‌رود بهترین مرکز درمانی کشور باشد، فقط دو درصد از درآمد سالیانه را به خود اختصاص می‌دهد، و فعالیت آن بسیار کم و محدود، و اصلاً می‌توان گفت هیچ است. می‌گویند: فقط تعداد معدودی از زوار از امکانات غذایی و دارویی برخوردار می‌شوند، حال آن که این حق مسلم همه‌ی آنان است. افراد زیادی از قیل آستانه تغذیه شده و امرار معاش می‌کنند، و کسر بسیار ناچیزی از درآمد سالیانه آن نیز به امور خیریه و رسیدگی به وضع مسکینان و بهبود حال زوار تخصیص داده شده است. تعداد بسیار کمی هرساله موفق می‌شوند تا از این امکانات محدود و اندک بهره‌مند گردند.<sup>۴۱</sup>

عبدالغنی میرزایف نیز در کتاب «تصویر شهر مشهد و حرم امام رضا در سفرنامه‌ی واضح» به تشریح اوضاع دارالشفای یا به قول خودش بیمارخانه حضرت پرداخته، و در بیان اهمیت آن آورده است:

از بیمارخانه‌ی حضرت که هرساله سه هزار تومان به مصرف ادویه‌ی آن مقرر شده، و با مأموران آن حکیم‌باشی و ناظم و طباطبائی بوده‌اند. هم‌چنین منزل بزرگی برای چند زن معین بوده که برای بیماران غذاهایی را که حکیم دستور داده، پخته، و برای بیماران می‌برده‌اند. هم‌چنین حجرات زیادی با اسباب و وسایل مورد نیاز بیمار فراهم بوده که در مدت استراحت بیمار از آن‌ها استفاده نماید. این بیمارستان زیر نظر آستان قدس بوده، و فعالیتش از دیر زمان انجام می‌گرفته و مختص

به عصر حاضر نبوده است.<sup>۴۲</sup>

### انجمن رسیدگی احوال و لوازم بیماران دارالشفای و مکتب آستان قدس

روز جمعه ۲۹ شهر رمضان المبارک هنگام عصر در شفاخانه‌ی اقدس رضوی انجمنی مخصوص رسیدگی احوال و لوازم بیماران منعقد گشته، بنده‌ی نگارنده نیز در آن محفل عالی با کمال شرف دعوت شده تولید جلیله‌ی عظمی دامت‌شرفت‌ها به نفس نفیس در آن‌جا تشریف داشتند. صفا دیده‌ها شمیمان و فحول امنای آستان قدس با طبیبان مسیحادم و جراحان هنرمند در صدر و حواشی محفل مجتمع بودند. پاسی برنگذشت که نمونه‌ی ملبوس و مایحتاج جدید را از شعار و دثار و پیراهن و آزار تا کفش و کلاه و بستر خواب و ظروف و اوانی که در آن‌ها غذا و دوا بایستی صرف کنند، به نظر رسانیدند. الحق همه‌ی آن‌ها را طوری شایسته و مرغوب ساخته و خریداری کرده بودند که از آن بهتر و مناسب‌تر نمی‌توان تصور کرد. از قرار معلوم سی دست لباس و جامه‌ی خواب که بالضروره برحسب اختلاف اندام و سن بیماران در بزرگی و کوچکی و فراخی و تنگی و کوتاهی و بلندی مختلف بودند برای رمضان مستشفای مقدس دوخته‌اند بر مهنوج ذیل:

لباده: شلوار - قبا - از جنس معروف به (فاستونی) و (نیم‌تابوت)

پیراهن: زیرجامه از (متقال) بسیار خوب و (چلوار)

شب‌کلاه: ابره ماهوت: استر چیت: چشمان‌بند به وضع معتاد خراسان

کفش - چُتک خراسانی در نهایت راحت و محکم و ظریف

لحاف چیت: حشوان پنبه

توشک: متقال، حشوان پنبه با ملحفه‌های سفید که بعد از چرک شدن شسته شود

مُتکا: چیت - حشوان پنبه با ملحفه‌های چیت که بعد از چرک شدن بشویند

ظروف: از اوانی مال‌التجاره مسکوک که از آهن می‌سازند و لعابی مانند چینی بر آن می‌زنند.

همه این اشیا در نهایت خوبی و ارزانی و مناسبی مهیا نموده، و به امنای دارالشفای مبارکه سپردند. حالا سزاوار است که تشکرات خود را از جناب جلالت‌مآب اجل آقای حاجی (نصیرالملک) دام‌اقباله‌العالی یک بر هزار آشکار نموده، و از صمیم قلب ایشان را دعا کنیم، زیرا که می‌بینیم این مرد نجیب بزرگواری و مسلمان واقعی در فکر خدمت به این آستان و رعایت مسلمان است. آفرین بر نیت پاک و سرشت عالی ایشان باد.

امیدواریم که فدوی در تنقیح و تصفیه‌ی آب و هوای مریض‌خانه هم همت بگمارند. چنان‌که در آن مجمع نیز اشارتی کرده و صحبتی از این در رانده‌ایم و قرار بر این شد که به توجه ایشان بعدها آب‌های خوش از گلوی مردم ناخوش فرورود، و قدغن فرمایند که برای بیماران دارالشفای آب‌انبارهای تمیز و نهرهای پاکیزه آب ببرند. (انشاءالله تعالی در موقع خود شرحی نیز از بابت آب‌های مشهد خواهیم نگاشت) که جدائیم (چراثیم) تمام مرضی‌ها در آب [!] است. هم‌چنین هوای اتاق‌ها که به‌واسطه‌ی تنفس بیماران به‌زودی مسموم و متعفن می‌شود، و به اندک زمانی درد مریض از اثر انقلاب آب و هوا به مرض دیگر تبدیل



و بیشتر به مصارف: اول - مواجب شخصی دوم - خرید قبوض حقوق سوم - خرج قنوات هریک از این آفات ثلاثه قسمتی از حقوق مرضا را از میان می‌برد.

مشاهده‌ی این اوضاع ناسامان، امیراعلم را به فکر وامیدارد که وضعیت دارالشفای را توسط وزارت دربار به احمدشاه گزارش نماید، بعد از جانب ایشان مأموریت می‌یابد که اصلاح اساسی در دارالشفای به‌وجود آورد. و عایدات موقوفات آن را مطابق وقف واقفین گرداند.<sup>۴۳</sup>

گرچه دارالشفای در اول تأسیس خود فقط برای معالجه مرضای فقیر زنانه و مردانه بنا شده بود، ولی تصمیم بر آن گردید که بعدها مجانین نیز بدان افزوده شوند. به همین جهت اداره‌ی دارالشفای از موقوفات خارج شهر یک باب ساختمان برای دارالمجانین تقاضا، و تولیت نیز پذیرفت.<sup>۴۴</sup>

دکتر امیراعلم درصدد بود که بخش مردانه و زنانه دارالشفای را کاملاً از همدیگر مجزا نماید، و برای اداره‌ی بخش زنان در فکر تربیت کادر طبی زنانه یا به قول خودشان: «برای شعبه‌ی اخیر در فکر خواستن طبیبه و جراحه و قابله هستم که از نقطه نظر معالجات نیز از قسمت مردانه جدا بماند، و شاید بتوانیم بدین وسیله طبیبه یا لااقل قابله‌های قابله و عالمه تربیت نماییم، و از تلفات هولناک زنان بارنهاد، و اطفال نوزاد حتی الامکان جلوگیری کنیم. و اگر بخواهیم به خاطر آوری که در مملکت ما صدی سی الی پنجاه از زنان حامله در وقت زایمان زندگانی را بدرود می‌گویند، و اکثر اطفالشان نیز تلف می‌شود به خوبی معلوم خواهد شد که نظریه‌ی اخیریه ما تا چه اندازه دارای اهمیت است»<sup>۴۵</sup>.

دکتر امیراعلم برای تکمیل دارالشفای آستان قدس رضوی علاوه بر سامان دادن به عایدات موقوفات، جهت تکمیل بنای دارالشفای مبادرت به دریافت اعانه نموده و قریب به ۲۸۰۰ تومان نقد جمع‌آوری نمود که تقریباً دو هزار تومان آن برای کمک در بنایی به مصرف رسید و ۴۰۰ تومان نیز آلات جراحی اکتیاع گردید و سیصد تومان کسری برای تهیه تختخواب‌های آهنی به مصرف رسید.<sup>۴۶</sup> صورت ریز عایدات بشرح ذیل بوده است:

#### کمک‌های خیرین به بناء دارالشفای

دارالشفای مبارک که در جنوب شرقی خیابان نادری، جنب کوچه‌ی ملک بنا گشته است. ساختمان آن دو طبقه و مساحت زیر بنا قریب ۳۵۰ متر مربع، و مساحت کل دارالشفای ۸۵۰ متر مربع بوده است. ساختمان آن از طرف مردم خیرخواه و آستانه بنا شده است. کسانی که در بناء دارالشفای کمک نموده‌اند، عبارتند از: میرمرتضی قلی‌خان ۲۰۰۰ قران، توسط آقای سردار ۷۵۰ قران، یوسف وهاب‌اف ۵۷۰۰ قران، سلطان‌الله‌اکبری ۵۰۰۰ قران، شجاع ملک ۴۰۰۰ قران، اداره‌ی تحدید خراسان ۴۰۰۰ قران، رئیس‌التجار ۴۰۰۰ قران، حدادالسلطنه ۳۵۰۰ قران، توسط حکومت شیراز ۳۶۰۰ قران، حاج اقبال‌التولیه ۲۷۵۰ قران، مصدق‌السلطنه [دکتر محمد مصدق] ۲۷۵۰ قران، توسط سردار ۲۵۰۰ قران، حاج گل‌محمد ۲۰۰۰ قران، رضاقلی حاکم درگز ۲۰۰۰ قران، معتمدالایاله ۲۰۰۰ قران، مالیه‌ی خراسان ۲۰۰۰ قران، تاجرباشی ۱۰۰۰ قران، معاون‌التجار ۱۹۰۰ قران، ملک‌التجار ۱۵۰۰ قران، سالارحشمت از تربت ۱۵۰۰ قران، حاج اسمعیل از شیراز ۱۴۰۰ قران، سالارمظفر ۱۲۰۰ قران، شجاع‌الملک ۱۰۰۰ قران، عبدالصمداف ۱۰۰۰ قران، عمیدالسلطنه ۱۰۰۰

یافته، و طبیبان را دچار وسواس و هوا حبس می‌کند. دیگر از بابت مکتب سادات در آستانه‌ی مقدسه که مکرر در اوراق ادب ذکر آن رفته است هم در آن مجمع نوید بشارتی فرمودند عن‌قریب وضع آن‌جا را مثل مدرسه‌ی تهران خواهند فرمود و اینک مقداری لباس به طرز خاص برای ساداتی که در آن‌جا درس می‌خوانند تهیه شده است. ما هم این بشارت را گوشزد غیرتمندان وطن کرده و منتظریم که وعده‌ی کریمانه آن جناب از قوه به فعل آید و معدودی از ذراری طاهره‌ی اهل البیت سلام الله علیهم را از آن خوان یغما به جامه و جامگی و طعام و شراب روحانی و جسمانی دستگیری فرمایند.<sup>۴۳</sup> (فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ)<sup>۴۴</sup>

#### دارالشفای پس از انقلاب مشروطیت

پس از انقلاب مشروطیت ایران؛ در سال ۱۳۲۵ق. اوقاف ضمیمه‌ی معارف شد<sup>۴۵</sup>، و چهار سال بعد از مشروطه، یعنی در سال ۱۳۲۸ق. / ۱۲۸۹ش. قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تصویب گردید، از آن پس مسئولان ادارات معارف در شهرستان‌ها موظف به انجام امور مربوط به اوقاف هم شدند.<sup>۴۶</sup> و برای امور جاری آستان قدس رضوی نیز در تاریخ ۲۷ ذیقعد ۱۳۲۹ق. قانون جداگانه‌ای در هجده ماده و تحت عنوان «قانون موضوعه‌ی آستانه‌ی مبارکه‌ی رضویه» وضع شد که ماده دوازدهم آن در موضوع فعالیت‌ها و وظایف دارالشفاست: «ماده دوازدهم: دارالشفای حضرت باید موافق مقتضیات صحیحه‌ی علمیه اداره شود. ریاست مریض‌خانه و اطباء مریض‌خانه باید از اشخاص مجرب عالم به علوم طبیعه، به تصویب وزارت اوقاف باشد. عده‌ی مرضا که در مریض‌خانه نگاهداری می‌شود، بعد از تعیین و برآورد مصارف به ترتیب معینه بسته به عایدات است که از موقوفات مختصه‌ی دارالشفای حاصل می‌شود.»<sup>۴۷</sup>

#### اقدامات امیراعلم

دکتر امیراعلم که در سال ۱۳۳۶ق. رئیس مجلس حفظ‌الصحه دولتی بود، به قصد زیارت آستان مبارک حضرت ثامن‌الائمه علیه‌الصلوات و السلام و سرکشی به مؤسسات بهداشتی و صحی مشهد راهی آن دیار شد. او وضع دارالشفای را اسفناک مشاهده کرده و در این باره چنین یادآور می‌شود: «... در عوض ترقی، امور دارالشفای رو به انحطاط گذارده، و در سایه‌ی لاقیدی عموم در سنوات اخیر کارش به جایی رسیده که از نقطه‌نظر طبی نام نامی خود را از دست داده، و به جای تسمیه دارالشفای سزاوار عنوان دارالامراض گردیده»<sup>۴۸</sup>

امیر اعلم درصدد اصلاح برمی‌آید؛ اما به‌جای مساعدت با مخالفت دست‌اندرکاران آستان قدس رضوی مواجه می‌گردد، اما با پشتیبانی رئیس‌الوزراء وقت - وثوق‌الدوله که پدرزنش نیز بود - در کمال جدیت شروع به کار کرد، و آستانه صرف‌نظر از مساعدت، حتی از تأدیه عوائد موقوفه نیز برای تعمیر دارالشفای خودداری می‌نماید. در حالی که عایدات دارالشفای از محصول نقدی و جنسی املاک موقوفه‌ها تأمین می‌گردید. مستأجرین املاک مذکوره هیچ‌گاه در خیال نبوده‌اند که مال‌الاجاره را باید به دارالشفای برسانند، وقتی زمان تأدیه می‌رسید، عایدات دچار سه بلیه می‌گردید که از مقدار حقیقی آن به‌طور دهشتناکی کاسته می‌شد،

قران، شجاع‌الدین ۱۰۰۰ قران، دبیرالسلطان ۱۰۰۰ قران، تاج‌محمد خان ۱۰۰۰ قران، غلام‌حسین خان رئیس ۵۰۰ قران، معتمدالوزاره ۱۰۰۰ قران، میرزا اسمعیل خان ۵۰۰ قران، شاه‌صاحب ۵۰۰ قران، میرزا عبدالحسین خان ۵۰۰ قران، مظفرالسلطان ۵۰۰ قران، محمدجعفراف ۵۰۰ قران، حاج محمد شالچی ۵۰۰ قران، شیخ علی تاجر خمسه ۵۰۰ قران، اصفهانی ۵۰۰ قران، حاج محمد تقی‌زاده ۵۰۰ قران، سالارحشمت ۵۰۰ قران، شجاع‌التولیه ۵۰۰ قران، رئیس‌التجار ۵۰۰ قران، نصرت‌الملک ۵۰۰ قران، شاهزاده عدل‌الدوله پنجاه عدد پنج هزاری طلا، کارگزاری خراسان ۴۶۰ قران، مسعودالملک ۳۶۰ قران، حاج خلیل خامنه‌ای ۲۶۰ قران، سیدصادق یزدی ۳۶۰ قران، رئیس تلگراف‌خانه ۳۰۰ قران، امین‌دفتر ۳۰۰ قران، محمدحسن قزوینی ۱۵۰ قران، اتحادیه ۱۸۰ قران، شاهزاده عباس میرزا ۱۸۰ قران، حاذق‌الدوله ۲۰۰ قران، صارم‌السلطان ۲۰۰ قران، عمادالسلطنه ۲۰۰ قران، مجلل ۲۷۰ قران، شجاع‌الایاله ۳۰۰ قران، امیراعلم ۹۰۰ قران، رفیع‌الملک ۱۵۰ قران، باقرزاده ۱۵۰ قران، محمد کشمیری ۱۰۰ قران، دکتر موسی خان ۱۰۰ قران، حاج ناظم دفتر ۱۰۰ قران، میرزا مصطفی ۱۰۰ قران، دکتر نصیر بیک‌اف ۱۰۰ قران، ابوالفضل خان ۵۰ قران و شیخ احمد مدیر روزنامه‌ی بهار ۵۰ قران.

ساختمان دارالشفای در سال ۱۳۲۷ق. خاتمه یافت و بودجه آن از طرف آستانه پرداخت می‌شد و همان‌طور که گفته شد اغلب به‌صورت جنس بوده و به بیشتر طبیبان غله داده می‌شده است.<sup>۵۳</sup>

#### دارالشفای در عصر پهلوی

در سال ۱۳۰۵ شمسی، حاج داود (زاتری از بمبئی) به مشهد آمد و پس از بازگشت سفرنامه‌اش را تدوین که در سال‌های اخیر توسط سیدحسین رئیس‌السادات ترجمه و توسط مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی به زیور طبع آراسته شد، وی درباره‌ی بیمارستان‌های آن عصر مشهد، بخصوص دارالشفای نوشته است: «در مشهد سه بیمارستان عمده وجود دارد یکی از آن‌ها که از بودجه‌ی آستان قدس اداره می‌شود، دارالشفای حضرت می‌باشد که البته برای عموم است بخصوص معالجه زوار.

بیمارستان دیگر زیر نظر دولت بریتانیاست و یک دکتر زرتشتی به نام خانم دمری **Damry** آن را اداره می‌کند. این بیمارستان روزانه سید بیمار را به‌طور مجانی معالجه می‌کند.

علاوه بر دو بیمارستان فوق، بیمارستان مسیون آمریکایی نیز با پول به معالجه‌ی بیماران می‌پردازد.

یک بیمارستان کوچک دیگر به نام شفاخانه‌ی منتصریه وجود دارد که زیر نظر دولت اداره می‌شد، و معالجه در آن مجانی بود.<sup>۵۴</sup>

#### دارالشفای و بیمارستان

وضع نابسامان و محقرانه‌ی دارالشفای در مقایسه با مریض‌خانه‌ی ینگی دنیا، باعث ناخشنودی بود تا در سفر اول رضاشاه به مشهد دستور بنای بیمارستانی صادر شد. حاجی بی‌بی همسر **حاج میرزا یحیی** - ریاست مهمانسرای حضرتی - هم به قصد قربت تمام باغ هشتاباد<sup>۵۵</sup> را در اختیار دارالشفای گذاشت. بعد از انتقال دارالشفای به باغ هشتاباد، عمارت اندرونی به اسم «بیمارستان نسوان» نامگذاری شده. با گذشت ایام با توسعه‌ی تشکیلات درمان و ازدیاد اطبایی تحصیل کرده، تجهیزات طبی و جراحی، باغ هشتاباد به بزرگترین بیمارستان

شهر درآمد<sup>۵۶</sup>. هم‌زمان با بسط و تکامل دارالشفای حضرتی در قیاس با مریض‌خانه‌ی ینگی دنیا به کوشش و پشتکار **محمدولی اسدی**<sup>۵۷</sup> - تولیت آستان قدس رضوی - نقشه‌ی بنای عظیم دارالشفایی (بیمارستان امام‌رضا فعلی) در اراضی زراعتی روستای الندشت پیاده شد، و ساختمان آن با شتاب ادامه یافت<sup>۵۸</sup>. در سال ۱۳۱۴ شمسی خبر ورود قریب‌الوقوع شاه به مشهد موجب شدت یافتن عملیات نوسازی بیمارستان شد، و دارالشفای حضرتی از باغ هشتاباد به محل نوساز انتقال یافت<sup>۵۹</sup>.

#### دارالشفای امام بعد از انقلاب

دارالشفای امام در سال ۱۳۷۰ شمسی در یک ساختمان سه طبقه متصل به صحن نو، در بست پایین خیابان قرار داشت که در این موقع به کلیه وسایل و تجهیزات مجهز بوده و روزانه صدها بیمار و دردمند به دارالشفای مراجعه و مورد معاینه و درمان قرار می‌گرفتند، در این میان هم زائران و هم ساکنان مشهد مقدس از خدمات درمانی آن بهره‌مند می‌شدند. در این برهه دارالشفای دارای ۲۴ پزشک بود و به‌طور شبانه‌روزی به انجام خدمت مشغول بوده‌اند.<sup>۶۰</sup> طبق آخرین اطلاعات کسب شده، دارالشفای آستان حضرت رضایع) هم اکنون به مرکزی فعال برای مراجعه و درمان زائرین و مجاورین بیمار تبدیل شده، و با دارا بودن بخش‌های مختلف، به‌طور شبانه‌روزی ارائه خدمات می‌کند، در این مرکز درمانی بخش‌های: قلب، داخلی، اطفال، گوش و حلق و بینی، اعصاب، عمومی، دندانپزشکی و تزریقات فعال است و در هر سال بیش از پانصد هزار نفر در این مرکز تحت درمان قرار می‌گیرند، و به تعداد زیادی از بیماران داروی رایگان داده می‌شود. و به خاطر آسایش هرچه بیشتر مراجعین داروخانه‌ی مجهزی در جوار محل جدید دارالشفای احداث شده است.<sup>۶۱</sup>

#### موقوفات دارالشفای:

در مورد تاریخچه موقوفات آستان قدس رضوی دوقره طومار مهم و نفیس و شماری اسناد معتبر مضبوط است که نحوه‌ی عملکرد ضابطین و سیر تحول هر یک از موقوفه‌ها و اجزاء آن را به‌یجاز نگاهشته‌اند، این طومارها و اسناد عبارتند از:

۱- **طومار و وقف‌نامه علیشاه افشار**: این طومار در زمان علیقلی خان برادرزاده‌ی نادرشاه افشار، به تاریخ رمضان المبارک سنه ۱۱۶۰ هجری قمری تنظیم شده، شامل مجموعه رقیبات وقفی آستان قدس است که زمان نادر شاه در تصرف دولت وقف بوده و به طور خلاصه عمل می‌شده است، از روی دفاتر نادری و اسناد و مدارک معتبر موجود در کتاب‌خانه‌ی مبارکه صورت‌برداری و در طومار ثبت نموده‌اند که بدین وسیله موقوفات را (دولت) به وقف (آستان قدس) برمی‌گرداند، و نیز میزان یک‌صد زوج زراعی از املاک خود را وقف توسعه‌ی دارالشفای نموده، این طومار علاوه بر آن که به ثبت رسیده است، منبای کشیک خدام آستان قدس را که سلاطین قبلی تغییر داده و بر سه کشیک گذاشته بودند تغییر داده، و به نام پنج تن آل عبا بر پنج کشیک قرار می‌دهد، این طومار به شماره ردیف ۱۱۱ ثبت دفتر موقوفات گردیده و در کتاب‌خانه‌ی آستان قدس مضبوط است.<sup>۶۲</sup>

۲- **طومار عضدالملک**: طومار عضدالملک از معتبرترین اسناد و نفایس آستان قدس است که در کتاب‌خانه‌ی آستان مبارکه نگهداری می‌شود، این طومار در زمان تولیت مرحوم **میرزا محمدحسین خان حسینی** ملقب



بهره‌برداری قرار نمی‌گرفت و بایستی گفت مندرجات این دفتر در شناسایی و اثبات وقفیت تعداد زیادی از رقیبات مورد استفاده قرار گرفته است.<sup>۶۴</sup> که چند وقف‌نامه از آن به ایجاز معرفی می‌شود و از آن‌جا که در این قسمت از مقال، صرفاً سعی بر معرفی موقوفات دارالشفای آستان قدس رضوی است به مدد چند برگ از اسناد موجود در گنجینه‌ی اسناد ملی ایران، صورت جمع و خرج موقوفه‌های دارالشفاء مبارکه، مطابق وقف‌نامه‌ها و طومارهای مذکور تهیه و ارائه می‌شود.

### برخی از موقوفات دارالشفای آستان قدس

#### محمدناصر خان ظهیرالدوله قاجار در سال ۱۲۸۸

از همگی و تمامی جملگی شش دانگ مزرعه موسوم به شادکن - واقع بیرون دروازه نوغان - با جمیع متعلقات آن که در زمان خود مستغنی از تحریر و توصیف بوده، از آن جمله: اراضی و صحاری و براری و مجاری دائره کان ام باثره مجری القنات و باغ و اشجار و انهار و یحمل و ریشه.

بعد از وضع یک عشر حق التولیه، و یک عشر حق النظاره که خمس از موقوفه می‌شود چهار حصه‌ی دیگر از منافع و محصول موقوفه مزبوره بعد از اخراجات لازمه موقوفه در هر زمانی از ازمه بقیه را صرف دوا و غذا و پرستاری و غیرذلک بیماران دارالشفای سرکار فیض‌آثار نموده است.<sup>۶۵</sup>

#### ملا محمد عطار باشی خلف مرحوم حاجی ملاحسن در رمضان ۱۲۴۴ قمری

همگی و تمامی کل مزرعه خیرآباد - واقع در توابع شافلان و محل کج‌آباد هرات - وقف کرده و مصارف آن را بدین شکل قرار داد: بعد از وضع مالیات و اخراجات ضروریه مابقی را تصفیه نموده به مصارف ذیل برسانند.

نصف از کل: صرف روشنایی روضه مقدسه، ثلث و صرف مرضای دارالشفای مبارکه دو ثلث.<sup>۶۶</sup>

امیرحسین خان شجاع‌الدوله - رئیس ایل زعفرانلو و حاکم قوچان - در محرم سال ۱۳۰۷ قمری تمامی زمین زیر کشت، یک رشته قنات موسوم به «قهرمان آباد» واقع در بلوک یام که مدارش بر ۱۶ می‌باشد با تمامی توابع و لواحق و متعلقات آن: قلعه، باغ‌ها، مراتع و دیمچه زار و غیره برای مصارف ذیل: شمع، اسقاط (لاله و...)، حفاظ صحیح القرائه و فراش، حق النظاره و حق التصدی و از بابت تعزیه‌داری در کشیک‌خانه مبارکه؛ تخصیص داد و در وقف‌نامه قید گردیده، «آن‌چه باقی ماند به مصرف تجهیز سفر دنیوی و اخروی غربای مرضای دارالشفای مبارکه به اطلاع و تصویب نظارت اولیه دارالشفای مبارکه برسانند، به این معنی که اگر انشاء الله تعالی مریض صحت پذیرفت به اندازه‌ی استحقاق و لیاقت از یک تومان الی ده تومان خرجی راه به او بدهند، مراجعت به وطن نماید و اگر مرحوم شد مخارج کفن و دفن او نمایند.»<sup>۶۷</sup>

#### رونوشت جمع و خرج موقوفات دارالشفای آستان قدس در سال ۱۳۲۸ قمری

هو صورت حساب جمع و خرج موقوفه دارالشفای مبارکه مطابق وقف نامجات که در آستانه مقدسه ضبط است.<sup>۶۸</sup>

به عضدالملک (از رجال نامی و متدین عهد ناصرالدین شاه) از روی وقف‌نامه‌ها و دفاتر قدیمی و اسناد معتبر و طومار علیشاه و فرامین و احکام شرعی تنظیم گردیده که حاوی اکثر موقوفات حضرت رضا علیه‌السلام از قراء و مزارع، باغ‌ها، قنات، دکاکین، خانات، حمام‌ها و غیره است. این طومار را فقها و مجتهدین معروف خراسان توشیح و به مهر خود مزین فرموده‌اند و نیز اعیان و رجال خراسان و امناء و کارگزاران آستان قدس، همچنین ناصرالدین شاه به مهر خود ممهور نموده‌اند. این طومار به شماره ردیف ۱۱۲ دفتر موقوفات ثبت شده است.<sup>۶۹</sup>

۳- سایر مآخذ: از اسناد معتبر دیگر موقوفات آستان قدس، دفتر قدیم آستان قدس است که افراد این دفتر در زمان مرحوم عضدالملک جمع‌آوری شده که در تنظیم و تدوین طومار از افراد این دفتر استفاده شده است. شایسته است درباره‌ی اهمیت این دفتر به نوشتار پشت جلد چوبی، دو طرف آن که عیناً نقل می‌شود، اکتفا شود. «هو الله تعالی» «بسم الله الرحمن الرحیم» به تاریخ شهر جمادی الثانی ۱۲۷۵ مطابق سنه‌ی ترکی یونان قلمی می‌شود که چون اغلبی از املاک موقوفه سرکار فیض‌آثار به صروف ازمه و مرور و دهور از میان رفته، غاصبین و ارباب جور دست تعدی دراز و چشم طمع باز کرده به تصرف مالکانه‌ی خود درآورده‌اند و بعضی دیگر از املاک را که بالفعل در تصرف کارگزاران سرکار فیض‌آثار محض احتمال و گمان آن که مبادا من بعد به مرور سنین و اعوام بعضی از مردمان بی‌دین که یخضمون مال الله خصم الابل نبته الربیع همواره درصدد تعدی و غصب املاک وقف بوده و هستند از املاک متصرفی بالفعلی وقف نیز به حیز ضبط و غصب درآورند، لهذا جناب جلالت‌مآب مقرب الحضرت الرضویه و الخاقانیه میرزا محمد حسین الحسینی عضدالملک دولت علیه و متولی باشی روضه‌ی رضیه زاده الله توقیفاته، طوماری مشتمل بر اسامی املاک موقوفه متصرفی بالفعلی سرکار فیض‌آثار قلمی فرمودند که سه طغری از آن مرقوم گردید. قاطبه‌ی علما و مجتهدین و اعیان و اشراف ولایت ارض اقدس و عمال و خدام و سایر منسوبین آستان ملائک‌پاسبان مهر کرده و صورت آن طومار در اول این دفتر هم ثبت و مضبوط است که هر کس را مراجعه به اسناد املاک سرکاری احتیاج افتد مرور و رجوع کرده نمایند و این دفتر هم که مشتمل بر افراد قدیم مضبوطه در کتابخانه‌ی مبارکه سرکار فیض‌آثار از متصرفی بالفعلی و غیره مثل بنات النعش متفرق بود، جمع و فراهم آورده در کتابخانه‌ی مبارکه ضبط کردند. نظر به مراتب مسطور نگارش می‌شود که هر کس این دفتر را از کتابخانه‌ی مبارکه سرکار فیض‌آثار بخواهد بیرون ببرد، ملعون ازل و ابد و با هارون الرشید و مأمون الرشید لعنه الله علیها محشور خواهد بود و همچنین کتابدار حال و استقبال چنان‌چه یک فرد از افراد این دفتر را به کسی بدهد یا بگذارد از کتابخانه‌ی مبارکه بیرون ببرد به لعنت ابدی و نفرین سرمدی جناب رسالت‌مآب صلی الله علیه و آله گرفتار و با شمر و ابن ملجم لعنه الله علیها محشور گردد. هر کس که محتاج به رجوع نموده هر نوع بهره که خواهد برد ولی احدی مأذون نیست که فردی از افراد دفتر و یا کلمه آن را از آن‌جا به جایی دیگر نقل کند. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه، اللهم العن من غشه و من خلطه و من جزاه و من نقله و من ضیعه و ارحم من عمل هذا المضمون و احشره مع الامام (ع).

این دفتر در بایگانی راکد جزء اوراق قدیمی ضبط شده بود که مورد





چنبر غربال	نقد - ۲۰۰ تومان	جنس - ۸۰ خروار ربع	حق دارالشفای نقد ۲۰ تومان	از جایاب آخلمد جنس ۶۰ خروار [و] ۳۵ من
احمد آباد	نقد ۵۰ تومان	جنس ۲۰ خروار	عوض سردار زیرکن	
۲۱ خروار	۶ خروار و ۷۵ من	حق دارالشفای ربع	نقد ۱۲۸ تومان	جنس ۳۷ خروار
۵۲ تومان و پنج قران		۹ خروار و ۵۰ من	حق دارالشفای ربع	جنس ۹ خروار و ۲۵ من
موقوفات عتیقی	نقد - ۴۹۲۵ تومان [و] ۷۵۰۰ دینار	جنس - ۱۵۶۱ خروار ۴۵ من	حق دارالشفای	
کنه بیست	نقد ۷۰ تومان	جنس ۲۶۵ تومان	شاه طغا	رادکان
کاریز پایین	نقد ۱۰۸ تومان	۳۳ خروار	جنس ۶۰ تومان و ۲۵۰۰ دینار	جنس ۱۸۴ خروار
چاه خاصه	نقد ۳۵۰ تومان	بار کرده ۸۸ خروار	بار کرده ۱۲۵ خروار	۶۰ تومان و ۲۵۰۰ دینار
طاحونه کلوخ	۳۰ تومان	طاحونه کلوخ	۹۸ خروار	۷ خروار و ۴۵ من
جمع - نقد - ۱۶۴۲ تومان		۷۴۲ تومان	۹۸ خروار	۷ خروار و ۴۵ من

### موقوفات متفرقه

نقد ۱۰۵۱ تومان  
جنس ۳ خروار ۶۰ من

**دکاکین معین الحرم** ۲۲۰ تومان  
قهرمان آباد قوچان فعلاً بلا جمع است، تصرف آستانه نیست.

**دکان عطاری سرشور** ۲۴ تومان  
علی آباد قوچان از قرار اظهار جناب حاجی قائم مقام التولیه ۲۶۰ خروار

**شادکن**  
تماماً وقف دارالشفای است ولی آنچه می‌رسد ۷۰ تومان عشر موقوفه حاجی شاه محمد خان که سرای سالارو دو باب دکان و اصل لیست خیابان علیا ۱۰ تومان

عشر از موقوفه محمد آباد و بحر آباد موقوفه مرحوم نظام الدوله و غیره  
نقد - ۹۷۰ تومان  
نقد - ۹۷۰ تومان  
نقد - ۹۷ تومان  
۶۰۰ تومان

حمام دارالشفای طاحونه شهر  
جنس - ۶۰ خروار  
محمد آباد - ۸۰۰ تومان  
۴۰۰ تومان  
۴ خروار

املاکی که فعلاً در تصرف نیست و باید تحقیق شود که در تصرف کیست؟ و در طومار علیشاه مرقوم است، ولی فعلاً در تصرف آستانه نیست و معلوم نیست کجا است.  
خوش هوا (۸ زوج)؛ سرخی (۴ زوج)؛ مزرعه سنجد (۲ زوج)؛ حسین آباد (۱۰ زوج)؛ مزرعه یخنی؛ مزرعه یخ‌چاه؛ مزرعه دهنو

نقد ۲۰۶۴ تومان - ۴ قران  
جنس ۴۴۷ خروار - ۴۵ من  
مخارج تعمیر رقیبات و تنقیه و قنوات و کسرلا وصول مطابق سنه ماضیه  
سهم دارالشفای حق التولیه جزء و کل

نقد ۳۶۳۴ تومان  
جنس ۵۵۰ خروار  
نقد ۳ ۷ ۷  
جنس ۱۷۰ خروار  
نقد ۴ قران  
جنس ۴۵ من

کنه بیست  
نقد ۴۰۰ تومان  
جنس ۵۰ من

کسر سعد آباد  
نقد ۲۰۰ تومان  
جنس ۵ خروار

از بابت تعمیرات  
۱۲۵ تومان - ۵ قران

تعمیر طاحونه کلوخ  
۶۰ تومان

تعمیر حمام دارالشفای  
۱۳۰ تومان

تعمیر چاه خاصه

۱۳۰ تومان	کنه بیست	مخرج چاه‌های عتیقی اشتنفر تعمیر قریه کلوخی	محمود آباد بغمان
۳۰ تومان	۲۰۰	۲۸ تومان	۵۹ تومان
		۸ قران	۲۰۰ دینار
۱۰۰۰ تومان		۱۰۰ من	
مالیات علی آباد از قرار تقریر جناب مستطاب حاجی قائم مقام التولیه		کرایه بعد از وضع حق التولیه و بار کرده ۵۰۷۴	
۲۴۰ خروار		خروار کسر می‌شود ۲۷۰ خروار ۱۲ من	
		حق التولیه	
		بار کرده ۱۶۲ خروار	
		۶۷ من <sup>۶۶</sup>	
شاه طغا	کاریز پایین	منزل آباد	
۳۸ خروار	۱۴ خروار	۳۴ خروار	
چاه خاصه	چاه نو	طاحونه	
۳ خروار		۴ خروار	

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- در سفرنامه‌ی میرزا نف عبدالغنی به عنوان بیمارخانه حضرت از آن نامبرده شده. طاهرنیا، بهروز؛ مشهد از نگاه سیاحان از ۱۶۰۰ تا ۱۹۱۴ م. (مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶)، ص ۲۰۴؛ به‌نقل از میرزا نف، عبدالغنی: تصویر شهر مشهد و حرم امام رضا(ع) در سفرنامه واضح. نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، مشهد پاییز ۱۳۵۳، شماره ۱۲.
- ۲ مؤتمن، علیاً راهنما یا تاریخ و توصیف دربار ولایتمداری رضوی(ع) (مشهد: آستان قدس، ۱۳۵۵)، ص ۴۰۱.
- ۳ ویشارد، جان؛ بیست سال در ایران، ترجمه علی بیرنیا، (تهران: موسسه انتشارات نوین، ۱۳۶۳)، ص ۲۳۹.
- ۴ تشید، علی‌اکبر؛ ارمغان جاوید یا زندگانی خلد آشیان دکتر امیراعلم، مقاله «در دارالفنون» [خطابه دکتر امیر اعلم]، (تهران: انتشارات مجله تاریخ اسلام، ۱۳۴۰ش)، ص ۶۱
- ۵ مؤلف تاریخ بیمارستان‌های ایران از آغاز تا عصر حاضر، بر آن باور است که دارالشفای آستان قدس رضوی از زمان شاهرخ میرزا تیموری ساخته شده، و از ابتدای تأسیس (نیمه اول سده نهم هجری قمری) مورد توجه بوده است.
- تاجبخش، حسن؛ تاریخ بیمارستان‌های ایران (از آغاز تا عصر حاضر)، (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹ش)، ص ۲۴۶.
- قصابیان، محمدرضا؛ تاریخ مشهد (مشهد: انتشارات انصار، ۱۳۷۷ش)، ص ۲۴۸.

قائم مقامی به میرزا ابوالقاسم و سمت وزارت عباس میرزا به او واگذار شد. وی از ۱۲۴۸ تا ۱۲۶۴ ق. که فوت کرد، نیابت تولیت آستان قدس رضوی را به عهده داشت و اصلاحات زیادی در اداره‌ی آن آستان انجام داد.

مهدی بامداد؛ همان، ج ۴، ص ۱۶۵.

۲۲ صدقات جاریه: به معنی وقف است.

جعفر لنگرودی، محمد جعفر؛ *ترمینولوژی حقوق*، (تهران: راستاد، ۱۳۶۳)، ص ۴۰۶.

۲۳ اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان (صنیع الدوله)؛ *مطلع الشمس*، (تاریخ ارض اقدس و مشهد مقدس)، با مقدمه و فهرس و اهتمام تیمور برهان لیموده‌ی (تهران: انتشارات فرهنگسرا، ۱۳۶۲)، صص ۵۲۳-۵۲۲.

۲۴ اداره‌ی اسناد [آستان قدس رضوی]. علی ثابت‌نیا و علی سوزنچی کاشانی «معرفی مجموعه اسناد روشنایی حرم مطهر و اماکن وابسته در دوره قاجاریه» دفتر اول (مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱ ش.)، ص ۱۲۳.

۲۵ عباس میرزا نایب السلطنه.

۲۶ روزنامه دولت علیه ایران؛ نمره ۵۱۹، پنجشنبه ۱۷ شوال المکرم سال ایت ثیل ۱۲۷۸ ق.، ص ۲.

۲۷ میرزا سید جعفرخان مهندس باشی «مشیرالدوله»؛ *رساله تحقیقات سرحدیه*، به اهتمام محمد مشیری، (تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸)، صص ۱۴-۱۵.

۲۸ ولایی، مهدی. شرح حال نواب تولیت عظمای آستان قدس رضوی. نامه آستان قدس، شماره ۱۸ (مرداد ماه ۱۳۴۳)، صص ۹۱-۹۲.

۲۹ اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (صنیع الدوله)، *مطلع الشمس*، همان، ص ۵۲۵.

۳۰ قاسمی، سید فرید؛ *روزنامه اردوی همایون*، (تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۹)، ص ۵۲.

۳۱ علینقی حکیم‌الممالک. *روزنامه سفر خراسان*، زیر نظر ایرج افشار (تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین، [بی تا])، ص ۲۵۹.

۳۲ شیخ رئیس، فرزند محمد تقی میرزا حسام السلطنه؛ شاغل در دارالشفا، آستانه که در دوره‌ی رئیس آن بوده است.

۳۳ علینقی حکیم‌الممالک. همان، صص ۱۹۴-۱۹۵.

۳۴ سیف‌الدوله: سلطان محمد ملقب به سیف‌الدوله، پسر سی و هشتم فتحعلی شاه بود که در روز ۲۶ جمادی الاولی ۱۲۲۸ ق. متولد شد. مادر وی تاج‌الدوله طاووس خانم زن دلیند و سوگلی فتحعلی شاه بود و به همین جهت در سال ۱۲۴۰ فتحعلی شاه حکومت منطقه وسیع و مهم اصفهان را به این پسر واگذار نمود، در حالی که سیزده سال بیش نداشت و یوسف خان گرجی سپه‌دار را به وزارت او برگماشت. پس از مرگ فتحعلی شاه، چون سیف‌الدوله نیز مانند سایر برادران به برادرزاده‌ی ناتوان و بیمار خود اعتنائی نداشت، به صوابدید قائم‌مقام و به دستور محمدشاه، حکومت اصفهان بر عهده خسروخان گرجی قرار گرفت و او مأموریت یافت تا سیف‌الدوله و مادرش را به تهران گسیل دارد. سیف‌الدوله از آن پس از محمدشاه اجازه یافت تا با مادر خود به

غیر هم مختص مشارالیه بود. و موجب سالیانه و تیول ایشان بر طبق تجویز او که به رقم وزیر دیوان اعلی می‌رسید از دفاتر می‌گذشت و طبابت اهل حرم مختص حکیم حرم بود و طبابت خواجه‌سرایان، غلامان خاصه و غیر هم با سایر اطباء بود. و عطاریاشی سرکار خاصه زیر نظر او فعالیت داشت. اگرچنان‌چه طبییی به جهت بیگلربیگان و سلاطین می‌خواستند بفرستند یا به اتفاق سپهسالار یا سرداری روانه نمایند به تجویز مشارالیه روانه می‌شد.

دستورالملوک میرزا رفیعا؛ به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال شانزدهم، شماره سوم، صص ۳۰۱-۲۹۹.

۱۰ سیوری. راجر؛ همان، صص ۱۹۸-۱۹۹.

۱۱ جرب صغیر و کبیر (Jarab): بیماری پوستی مسری ناشی از رشد انگلی خاص در نقاط مرطوب پوست مانند کشاله ران که باعث خارش شدید می‌شود.

۱۲ دستورالملوک میرزا رفیعا؛ همان.

۱۳ دانش‌پژوه، محمدتقی؛ دستورالملوک میرزا رفیعا و تذکره الملوک؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران، دوره‌ی شانزدهم، شماره‌ی ۱ و ۲، صص ۶۶-۶۷.

۱۴ همان، صص ۲۹۹-۳۰۱.

۱۵ تشید، علی اکبر؛ همان، ص ۶۲.

۱۶ اخراجات: جمع اخراج، وجه معاش، وجه گذران (لغتنامه دهخدا، ج ۱)، ص ۱۲۸۲) گروهی از مالیات‌ها که برخی دائمی و پاره‌ای به‌طور اتفاقی برای تأمین هزینه‌های نگهداری عمال و مأمورین و خرج سفر آنها از رعایا گرفته شود.

دهخدا، علی اکبر؛ *لغتنامه دهخدا*، ج ۱، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳)، چاپ اول از دوره جدید، ص ۱۲۸۲.

شاپوریان، عنایت‌الله؛ *بیست و پنج سده مالیات*، (تهران: چاپخانه وزارت اطلاعات، ۱۳۵۰)، ص ۹۴.

۱۷ در یکی از اسناد موجود در گنجینه اسناد ملی، مخارج دارالشفا از محل موقوفات قید شده در طومار علیشاه: نقد ۲۴۰ تومان و پنج قران و جنس ۶۹ خروار و ۵۰ من ذکر کرده‌اند.

۱۸ املاک خالصه: زمین‌های متعلق به دولت، زمینی که ارباب آن را از تقسیم میان دهقانان و به اصطلاح پشک انداختن مستثنی می‌دارد و خود راساً آن را زراعت می‌کند.

ا.ک.س لمبتون؛ *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵)، ص ۷۴۶.

۱۹ اصل: دلک.

۲۰ حاج میرزا حبیب‌الله مستوفی همدانی: صورت وقف‌نامه‌جات آستانه مقدسه ثامن الائمه علی ابن موسی الرضا - علیه آلاف التحیه و الثنا - در زمان تولیت جناب مستطاب اجل اکرم افخم بندگان آقای صدیق الدوله - دام ظلّه العالی - خلاصه از کتاب‌خانه مبارکه، (مشهد: [بی تا])، (۱۳۱۷ ق.)

۲۱ حاجی میرزا موسی خان پسر بزرگ قائم‌مقام فراهانی (متوفی ۱۲۳۷ ق.)، در سال ۱۲۲۰ ق. متولد شد و پس از مرگ پدرش، سمت



باغ هشتاباد: «وسعت این باغ به قدری بود که از سوی شمال و مغرب به انحای خندق و باروی شهر محدود می‌شد، و ضلع جنوبی باغ در پشت منازل و دکان‌های حاشیه بالا خیابان قرار می‌گرفت. سراسر منطقه شرقی آن، عین باغ‌های انگوری حومه شهر، «جوبه‌جو به» بود. قطعه کم درخت‌تر آن را هم، مانند حیاط‌های درون شهر، سبزیجات و هندوانه و خربزه می‌کاشتند و...»

بقیعی، غلامحسین؛ مزار میر مراد (نمایی از مشهد قدیم)، (تهران: انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۷۳)، صص ۱۲۴-۱۲۶.

۵۶ بقیعی، غلامحسین؛ همان، صص ۱۲۸-۱۲۹.

۵۷ محمدولی اسدی، فرزند میرزا علی‌اکبر در سال ۱۲۵۷ ش. در بیرجند متولد شد. او در دوران جوانی مدت‌ها پیشکار و مستوفی «امیر شوکت‌الملک علم» والی قاینات و سیستان بود. اسدی در سه دوره‌ی متوالی ۴، ۵ و ۶ از سیستان به وکالت مجلس شورای ملی برگزیده شد. و از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۴ ش. نایب‌التولیه آستان قدس رضوی بود، تا این که در خرداد ماه ۱۳۱۴ استفاده از کلاه پهلوی که دارای یک لبه بود متروک و تمام افراد کشور مقید شدند کلاه بین‌المللی (تمام‌لبه به‌نام شاپو) استعمال نمایند. در ۲۱ تیرماه ۱۳۱۴ از طرف مردم مشهد تظاهراتی علیه لباس متحدالشکل و کلاه شاپو صورت گرفت، و مردم در مسجد گوهرشاد اجتماع نموده، به عمل دولت اعتراض نمودند. شیخ بهلول واعظ در این اجتماع برای مردم سخنرانی کرد که منجر به درگیری شد و در تاریخ به «قیام گوهرشاد» معروف است. در طی این قیام عده‌ی زیادی کشته و مجروح شدند. و روز بعد عده‌ی زیادی از علما، روحانیون دستگیر و تبعید شدند. در ۴ آذرماه اسدی مسبب وقایع تشخیص داده شد و طبق قرار بازپرس نظامی توقیف و تحویل زندان گردید، و عاقبت در سحرگاه ۲۹ آذر ۱۳۱۴ اعدام شد.

برای اطلاع بیشتر ن. ک: مرسلوند، حسن؛ زندگی‌نامه‌ی رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹-۱۳۲۰ ش)، ج اول، (تهران: انتشارات الهام، ۱۳۶۹)، صص ۱۴۶-۱۵۰.

عاقلی، باقر؛ روزشمار تاریخ ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)، ج اول، (تهران: نشر گفتار، ۱۳۶۹)، صص ۲۰۴-۲۰۸.

۵۸ بقیعی، غلامحسین؛ همان، ص ۱۳۱.

۵۹ همان، ص ۱۴۴.

۶۰ امیر شیبانی، عبدالرضا؛ سیمای وقف در خراسان (مشهد: سگال، ۱۳۸۰)، ص ۱۸۱.

61 www.aqrazavi.org

۶۲ نشریه حرم؛ «برخی از اسناد مهم» (طومار علیشاه افشار و طومار مرحوم عضدالملک)، (نشریه حرم ویژه کتابخانه، شماره ۵۷، ص ۳۷).

۶۳ همان، ص ۳۷.

۶۴ همان، ص ۳۷.

۶۵ حاج میرزا حبیب‌الله مستوفی همدانی؛ همان، ص ۱۹۲.

۶۶ همان، ص ۱۱۱.

۶۷ همان، ص ۲۲۵.

۶۸ کلیه ارقام مندرج در ذیل هریک از رقبات به سیاق است.

۶۹ سازمان اسناد و کتابخانه ملی. شماره سند ۲۹۳۰۰۱۹۰۵- محل در آرشیو ۲۳۰ظ۳ب.آ.

عتبات عالیات برود و مدتی نیز در بغداد ساکن شد. سیف الدوله در سال ۱۲۸۹ تولیت آستان قدس رضوی بود.

عضدالدوله سلطان احمد میرزا؛ تاریخ عضدی، به کوشش عبدالحسین نوایی (تهران: انتشارات بابک، ۲۵۳۵)، ص ۱۸۶.

ماه وان؛ تاریخ زندگانی امام ابوالحسن علی ابن موسی الرضا علیه السلام (مشهد: مؤسسه جغرافیایی و انتشاراتی ماهوان، ۱۳۷۹)، ص ۱۴۸.

۳۵ سیف‌الدوله سلطان محمد؛ سفرنامه سیف‌الدوله (معروف به سفرنامه مکه)، به تصحیح و تحشیه علی اکبر خداپرست (تهران: نشر نی، ۱۳۶۴)، ص ۳۱۸.

۳۶ حاج سیاح؛ خاطرات حاج سیاح؛ به کوشش حمید سیاح (تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۹)، صص ۱۳۲-۱۳۳.

۳۷ همان، ص ۱۳۴.

۳۸ ناصرالدین شاه؛ سفرنامه دوم خراسان (تهران: انتشارات کاوش و شب تاب، ۱۳۶۳ ش.)، صص ۱۳۹-۱۴۰.

۳۹ روزنامه اردوی همایون، نمره ۸ یکشنبه ۱۵ شوال ۱۳۰۰ ق.

۴۰ میرزا قهرمان امین لشکر؛ روزنامه سفر خراسان به همراهی ناصرالدین شاه، به کوشش ایرج افشار- محمد رسول دریا گشت، (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۴ ش.)، ص ۴۵.

۴۱ کلنل بیت؛ سفرنامه خراسان و سیستان؛ شرح سفر کلنل بیت به ایران و افغانستان در روزگار ناصرالدین شاه. ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو. مهرداد رهبر (تهران: انتشارات یزدان، ۱۳۶۵ ش.)، ص ۳۲۱.

۴۲ طاهرنیا، بهروز؛ همان، ص ۲۰۴.

۴۳ روزنامه ادب، سال دوم، نمره ۶ (۱۸ شوال ۱۳۱۹)، صص ۴۱-۴۲.

۴۴ سوره قریش / آیه ۳ و ۴.

۴۵ فیوضات؛ «بیانات آقای فیوضات - رئیس اداره کل اوقاف» تعلیم و تربیت، سال ششم، شماره اول، فروردین ۱۳۱۵، ص ۱۲۸.

۴۶ سلیمی‌فر، مصطفی؛ نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ ش.)، ص ۹۰.

۴۷ اداره اسناد [آستان قدس رضوی]؛ علی کریمیان، «تشکیلات آستان قدس رضوی پس از انقلاب مشروطیت (۱۳۲۹ قمری)»، دفتر اسناد، ج اول، (مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱ ش.)، ص ۴۱.

۴۸ تشید، علی اکبر؛ همان، ص ۸۸.

۴۹ همان، صص ۹۰-۹۳.

۵۰ همان، ص ۹۳.

۵۱ همان، ص ۹۴.

۵۲ همان، ص ۹۵.

۵۳ بیمارستان‌های شهر مشهد، جهان‌شناسی، صص ۴۶-۴۷.

۵۴ سفرنامه حاجی داود (ژنری از بمبئی به مشهد ۱۳۰۵ ش./ ۱۹۲۶ م.)، ترجمه سیدحسین رئیس‌السادات، (مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶ ش.)، ص ۶۶.

۵۵ دو باغ وسیع با عمارت مسکونی عالی در دو انتهای شهر داشت، یکی مسمما به باغ هشتاباد در مجاور دروازه بالا خیابان و دیگری به نام باغ فردوس در حومه جنوب شرقی شهر بود.